

نقد و بررسی رابطه میان غلو و جعل در کتاب «الموضوعات فی الآثار و الاخبار»

محمد رضا عزتی فردویی^۱

صمد اسمی قیه باشی^۲

چکیده

غلو، به عنوان جریان انحرافی در دین، باعث آسیب‌هایی از جمله دین‌گریزی شده است. آقای معروف حسنی در مقابل روایات غلوآمیز موضع گرفته و به بررسی این روایات پرداخته و با توجه به این که بسیاری از روایات را به دلیل غلوآمیز بودن، جعلی دانسته است، بررسی ارتباط میان غلو و جعل از دیدگاه ایشان، ضروری می‌نماید. ایشان در برخورد با احادیث غلوآمیز، در برخی موارد برخلاف مبنای نقد حدیث خود عمل کرده و اتهام به غلورا برابر با جعل دانسته است. بنا بر این، در باره معیار ارزیابی ایشان از روایات غلوآمیز و جعلی دانستن آن‌ها چند اشکال اساسی وجود دارد: خلط میان عدم حجیت با جعل، بررسی حدیث با تاریخ نامعتبر، تتبع ناقص در شرح حال راویان متهم به غلو، حکم به جعل تفاسیر باطنی صحیح، اهمیت ندادن به سنت رد علم به معصومان علیهم‌السلام و عدم احتمال تصحیف، تحریف و وضع جزئی به جای وضع کامل روایت. کلیدواژه‌ها: غلو، جعل، نقد حدیث، هاشم معروف حسنی.

مقدمه

این حقیقت قابل انکار نیست که غلو و افراط در دین از مهم‌ترین عوامل دین‌گریزی بوده و ثمره آن، پیامدهایی همچون تکفیر و سستی و اباحی‌گری در انجام اوامر و نواهی دین است.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (نویسنده مسئول) (ezzati1991@gmail.com).

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم و معاون آموزش دانشکده علوم قرآنی خرم‌آباد (esmi1589@gmail.com).

شرایط مکان و زمان حیات هاشم معروف حسنی - که در خط مقدم جبهه مبارزه با مذاهب گوناگون قرار داشته - به گونه ای بوده که مذهب شیعه با اتهامات و برخوردهای تمسخرآمیزی مواجه بوده است. از این رو، او تصمیم می گیرد به وسیله روش های نقد حدیث و بررسی ورد روایات غلوآمیز از مذهب شیعه دفاع نماید.

ایشان در این زمینه می فرماید:

امروزه در بیروت، پایتخت طوایف و ادیان و احزاب، از سوی برخی مؤسسات کتاب های غلوآمیز شیعه از جمله *مشارك انوار الیقین* و ... از سوی ناشرانی - که دین و تشیع را سرمایه تجارت خود قرار داده اند - انتشار می یابد و نوعی تعمد و اهداف دیگر در این امر وجود دارد. نشر این گونه کتب نه واقعیت ائمه را بیان می کند و نه عقیده شیعه را و نه به تشیع راستین ربطی دارد. پس از فراهم شدن انگیزه، به تألیف این کتاب پرداختم.^۳

اما این حقیقت را نیز باید در نظر گرفت که جداسازی این روایات از پیکره روایات شیعه کار آسانی نیست و ممکن است در این فرآیند، بسیاری از روایاتی که مورد قبول هستند نیز مورد اتهام و جعل قرار گیرند.

آقای معروف حسنی در کتاب *الموضوعات فی الاخبار و الآثار* روایات غلوآمیز را بررسی نموده و در اکثر موارد حکم به جعلی بودن آن ها داده است و در مواردی که تصریح به جعل نکرده نیز مناقشات او رنگ جعل دارند؛ زیرا نام کتاب ایشان *الموضوعات*، یعنی احادیث ساختگی است. در این جا این سؤال اساسی پیش می آید که معیارهای ایشان برای رد این روایات چه بوده و آیا ایشان در معیارهای خود موفق عمل کرده یا اشکالاتی نیز در کار ایشان وجود داشته است؟

برای رسیدن به پاسخ این سؤال اولاً باید مشخص شود که معیار و تعریف ایشان از غلو چیست؟ ثانیاً چه رابطه ای بین غلو و جعل و همچنین اتهام به غلو و جعل از نظر ایشان وجود دارد؟ ثالثاً روش برخورد ایشان با احادیث غلوآمیز چگونه است؟

از آن جایی که ایشان به قواعد و روش نقد الحدیثی خود در این کتاب به طور مبسوط اشاره نکرده، روش ما در این بحث بررسی روایاتی است که ایشان به اتهام غلورد کرده است. بنا بر این، با بررسی روش برخورد ایشان با احادیث غلوآمیز، بررسی خواهیم کرد که آیا ایشان

۳. *الموضوعات فی الآثار و الاخبار*، ص ۳۸.

اتهام به غلورا برابر با جعل دانسته و یا از قواعد دیگری برای رد احادیث غلوآمیز استفاده کرده است و آیا چنین قواعدی در جعل حدیث علم آور است یا از امور ظنی است؟

معنای غلو

غلودر لغت به معنای افراط و تجاوز از حد و خروج از قصد و اعتدال است^۴ اما در اصطلاح علم کلام غلاه و غالیه نامی است فراگیر برای همه فرقه‌هایی که در حق پیامبر ص وائمه اطهار علیهم‌السلام به ویژه امام علی علیه‌السلام غلو کرده و به ایشان مقام الوهیت داده‌اند.^۵ برای تبیین مفهوم غلو و مصادیق آن به بررسی آن در آیات و روایات و نظرات محدثان می‌پردازیم:

الف. غلواز منظر قرآن

واژه غلودوبار در قرآن کریم به کار رفته است و بسیاری از صاحبان تفاسیر فریقین در ذیل این آیات، غلورا به معنای زیاده روی در جانب افراط و تفریط (هر دو) دانسته‌اند. در آیه ۱۷۱ سوره نساء آنچه مصداق اصلی غلو معرفی شده است نسبت الوهیت دادن به حضرت مسیح علیه‌السلام است چنان که در آیه شریفه آمده است:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ﴾^۶

ای اهل کتاب! در دین خود غلو [و افراط] نورزید، [و از چهارچوب آیات نازل شده از سوی خدا و آنچه پیامبران به شما آموخته‌اند، خارج نشوید] و نسبت به خدا جز حق مگویید. حقیقت غیر از این نیست که مسیح عیسی بن مریم علیه‌السلام فرستاده خدا و کلمه اوست که به مریم القا کرد و [این بنده پاک و خالص] روحی از سوی اوست.

زمخشری در تفسیر خود نوشته است:

یهود در پایین آوردن منزلت عیسی علیه‌السلام غلو نمودند تا جایی که او را منتسب به فرزند غیر پدری دانستند و نصاری در بالا بردن او غلو نمودند به نحوی که او را خدای خود خواندند.^۷

۴. مفردات الفاظ قرآن کریم؛ معجم مقاییس اللغة، ذیل ماده غلو.

۵. الملل و النحل، ص ۴۱۷.

۶. سوره نساء، آیه ۱۷۱.

۷. الکشاف، ج ۱، ص ۵۹۳.

علامه طبرسی رحمته الله علیه نوشته اند:

این آیه خطاب به یهودیان و مسیحیان است؛ زیرا برخی مسیحیان گفتند: او پسر خدا است. و برخی دیگر او را خدا پنداشتند و یهودیان غلو نموده و گفتند: او حرام زاده است. بنا بر این هر دو گروه راه غلورا پیموده اند.^۸

در آیه دیگر آمده است:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَ ضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾^۹

بگو: ای اهل کتاب، در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید! و غیر از حق نگویید! و از هوس های جمعیتی که پیش تر گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در ذیل آیه فرمودند:

غلواهل کتاب همین بوده که انبیا و احبار و راهبان خود را تا مقام ربوبیت بالا می برده و در برابر آنان به نحوی که جز برای خدا شایسته نیست، خضوع می کرده اند.^{۱۰}

برخی آیات قرآن کریم غلواهل کتاب را نیز به صراحت بیان کرده است:

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرَاتُنْ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ﴾^{۱۱} «وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ»^{۱۲}

ب. غلواز منظر روایات

۱. امام علی علیه السلام در روایتی می فرماید:

إِيَّاكُمْ وَالْغُلُوفِينَ قُولُوا إِنَّا عِبَادُ مَرْبُوبُونَ وَقُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ؛^{۱۳}

در باره ما غلو نکنید و بگویید که ما بندگان پرورده شده ایم [پروردگار نیستیم] و در فضیلت ما هر چه می خواهید بگویید.

۸. مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۲۲.

۹. سوره مائده، آیه ۷۷.

۱۰. المیزان، ذیل آیه ۷۷ مائده

۱۱. سوره توبه، آیه ۳۱.

۱۲. سوره مائده، آیه ۱۸.

۱۳. تحف العقول، ص ۱۰۴.

مفهوم این روایت از نظر عقلی این است که امام علی علیه السلام مقام رب و خدا بودن را از فضایل خود جدا کرده آنگاه اجازه نقل دیگر فضایل را داده است.

۲. در روایتی که در مقدمه بحث ذکر شد امام رضا علیه السلام آنچه را که مورد تکفیر شیعیان و معصومان علیهم السلام دانسته است و از آن به عنوان غلو یاد کرده است نسبت خدا انگاری به معصومان علیهم السلام است؛ چنان که می فرماید:

فَإِذَا سَمِعَ النَّاسَ الْعُلُوفِينَ كَفَرُوا شِيعَتَنَا وَ نَسَبُوهُمْ إِلَى الْقَوْلِ بِرُبُوبِيَّتِنَا؛^{۱۴}

زمانی که مردم غلو در باره ما را بشنوند، شیعیان ما را تکفیر می کنند و قول ربوبیت ما را به آن ها نسبت می دهند.

بنا بر این، طبق روایات آنچه در باره معصومان علیهم السلام به عنوان غلو معرفی شده نسبت ربوبیت و خدا انگاری به ایشان است و امامان معصوم علیهم السلام همواره با جریان های انحرافی مقابله و مبارزه نموده و تندترین مواضع را نسبت به غالیان داشته اند.^{۱۵}

ج. غلو از منظر محدثان و حدیث پژوهان

غلو در شأن امامان معصوم علیهم السلام همواره مورد توجه عالمان دینی همچون شیخ صدوق و شیخ مفید و علامه مجلسی بوده و در آثار خود بدان پرداخته اند^{۱۶} که به برخی موارد اشاره می شود.

۱. شیخ مفید در باره غالیان می فرماید:

آنها کسانی هستند که به اسلام تظاهر می کردند و به امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه علیهم السلام نسبت الوهیت و نبوت می دادند و در باره فضایل دینی و دنیای آن ها از حد اعتدال خارج می شدند. ایشان در ادامه در باره ویژگی های غلومی فرماید: در علامت غلونی حادّی حادث بودن ائمه علیهم السلام و حکم به الوهیت آن ها کفایت می کند.^{۱۷}

هر چند شیخ مفید افراط در فضایل را از ویژگی های غالیان می داند، اما افراط در فضایل را از علامت های غلو به حساب نمی آورد. به عبارت دیگر، یکی از ویژگی های غالیان افراط در

۱۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۳۰۴.

۱۵. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۸۴، ۵۸۷، ۵۹۰.

۱۶. الاعتقادات، ص ۱۰۱۹۷؛ تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۳۱؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۲۷، ۲۶۱.

۱۷. تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۳۱.

فضایل است؛ اما هر جا افراطی در فضایل مشاهده شد، نمی‌توان گفت که غلو شده است. ۲. محمد تقی مجلسی از محدثان و حدیث پژوهان مشهور شیعه در باره غلو می‌فرماید: اما آن چیزی که از آن به عنوان غلویاد می‌شود آن است که گفته شود ائمه علیهم‌السلام آسمان‌ها و زمین را خلق کرده‌اند زنده می‌کنند و می‌میرانند و امر عالم به دست آن‌هاست.^{۱۸}

البته در تعریف محمد تقی مجلسی نیز زنده کردن و میراندن اگر به اذن خدا به دست معصومان علیهم‌السلام انجام شود غلونیست؛ چنان که اولیای خداوند این کار را انجام داده‌اند.^{۱۹} ۳. آقای علی اکبر غفاری ضمن تعریف غلو، مشابه تعاریف فوق می‌فرماید:

این عقیده نیز که گفته شود متقدمین به ویژه اهل قم هرگونه افراط و فضایل در باره ائمه علیهم‌السلام را غلومی دانستند صحیح نیست زیرا زیارت جامعه کبیره را - که سرشار از مطالب غلوآمیز و عرفانی در باره ائمه علیهم‌السلام است - راویان قمی نقل کرده‌اند.^{۲۰}

بنا بر این آنچه از این گزاره‌ها برمی‌آید آن است که غلونسبت الوهیت دادن و نسبت دادن صفات مختص ذات خداوند به معصومان علیهم‌السلام است؛ هرچند که افراط در فضایل از ویژگی‌های غالیان بوده اما هرگونه افراط در فضایل از علامت‌های غلو محسوب نمی‌شود.

معیار غلو و ارتباط آن با جعل نزد هاشم معروف حسنی

مقدمه اول

آقای معروف حسنی غلورا مفهومی فراتر از چند ویژگی دانسته بلکه آن را به هرگونه افراط ساختگی در حق معصومان علیهم‌السلام تعمیم می‌دهد. چنان که می‌فرماید: شیعیان منحرف و مخالفان مذهب احادیث غلو و نیز احادیث منقصت را به منظور ایجاد شکاف میان تشیع و توده مسلمانان و لکه دار کردن حیثیت و آبروی شیعه جعل می‌کرده‌اند.^{۲۱} مصداق‌هایی که

۱۸. روضة المتقین، ج ۱۲، ص ۲۱۳.

۱۹. «أَبِي قَدْ جُنْتُكُمْ بِأَيَّةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقْتُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَبْرِي الْأَكْمَةِ وَ الْأَبْرَصِ وَأَخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ» (آل عمران: ۴۶)؛ [عیسی علیه‌السلام]: من از سوی پروردگارتان برای شما معجزه‌ای [بر صدق رسالتم] آورده‌ام؛ من از گِل برای شما چیزی به شکل پرنده می‌سازم و در آن می‌دمم که به اراده و مشیت خدا پرنده‌ای [زنده و قادر به پرواز] می‌شود؛ و کور مادرزاد و مبتلای به پستی را بهبود می‌بخشم؛ و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کند.

۲۰. تلخیص مقیاس الهدایه، ص ۱۵۳، ۱۵۴.

۲۱. الموضوعات فی الآثار و الاخبار، ص ۷۷.

ایشان برای احادیث غلو در متن کتاب ذکر کرده فراتر از مفهوم غلوند محادثان و متقدمان است در نتیجه شامل هرگونه افراط و ویژگی خارق العاده‌ای در خصوص معصومان علیهم‌السلام است که معیارهای صحت را از منظرایشان ندارند برای نمونه احادیثی در باره خلقت معصومان علیهم‌السلام ^{۲۲} زنده شدن میت توسط معصومان علیهم‌السلام ^{۲۳} گفت و گوی امام علی علیه‌السلام با خورشید ^{۲۴} و و در ذیل این گزاره‌ها فهرستی از روایان متهم به غلو را ذکر کرده است.

همچنین آقای معروف حسنی عقیده دارند که روایات غلو در شان امیرالمؤمنین علیه‌السلام و فرزندانش نزد شیعه به پای روایات غلو در شان بزرگان اهل سنت نمی‌رسد چنان که عقیده دارند اگر جبرئیل ۹۵۰ سال در فضیلت ابوبکر و عمر سخن بگوید فضایلشان به پایان نمی‌رسد و شیعیان هیچ گاه ادعا نکرده‌اند که علی علیه‌السلام راه بهشت را بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تنگ می‌کند در حالی که اهل سنت چنین ادعایی را در باره معاویه دارند. ^{۲۵}

لازم به ذکر است که ما در صدد تصحیح و اعتبار این گزاره‌ها نیستیم هر چند آقای معروف حسنی در برخی موارد دلایل محکمی برای رد این روایات آورده است اما آنچه مد نظر ما از آوردن این بحث است فهم معیار ایشان از غلو است.

مقدمه دوم

از طرف دیگر، ایشان منکر مناقب اهل بیت علیهم‌السلام نیست چنان که می‌فرماید: در این حقیقت حتی یک لحظه تردید ندارم که علی علیه‌السلام و فرزندان معصومش از این امکان برخوردار هستند که معجزاتی انجام دهند که بر دیگر مردم ناممکن است. ^{۲۶} و در جای دیگر می‌فرماید: ما چنین کراماتی از ناحیه معصومان علیهم‌السلام را منکر نمی‌شویم چرا که این امکان وجود دارد که امام به قدرت خداوند معجزاتی بیش از این نیز بیافریند اما وجود متهمان در میان روایان روایتی آن را در معرض اتهام و تردید قرار می‌دهد. ^{۲۷}

با توجه به این دو مقدمه می‌توان این طور نتیجه گرفت که ایشان فضایل و کراماتی که در صدورشان از نظر سند و متن خدشه‌ای نیست را پذیرفته و فضایل و افراط‌های ساختگی را غلو می‌داند بنا بر این از نظرایشان غلو در صورت اثبات برابر با جعل است.

۲۲. همان، ص ۲۷۱.

۲۳. همان، ص ۳۳۸.

۲۴. همان، ص ۳۱۶.

۲۵. همان، ص ۳۷۷.

۲۶. همان، ص ۳۷۸.

۲۷. همان، ص ۲۹۸.

نقد و بررسی

مشخص شد که آقای معروف حسنی هرگونه افراط ساختگی را غلومی داند اما این معیار از چند جهت دارای اشکال است.

اولاً. از نظرایشان بین غلو و جعل غلوآمیز رابطه تساوی است در حالی که بین غلو و جعل غلوآمیز رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد به عبارت دیگر هر غلوی جعل است اما هر جعل غلوآمیزی غلونیست به عنوان مثال روایات زنده شدن مردگان از سوی معصومان علیهم السلام هر چند جعل باشند اما در شان معصومان علیهم السلام غلونیستند و چنان که متذکر شدیم در گزاره‌های متواتر برای ما ثابت شده است.

ثانیاً. آقای معروف حسنی معیاری برای تمییز بین کرامت، معجزه و فضایل افراط آمیز با غلو مشخص نکرده است و روش‌های نقد حدیث نمی‌تواند معیاری برای تشخیص این دو مقوله از یکدیگر باشد و این روشها در برخی موارد خطاپذیرند و باید برای غلو مبنایی خطا ناپذیر وجود داشته باشد تا ما را از روش‌های نقد حدیث بی‌نیاز کند، مبنایی عقلایی که در نگاه اول غلو را تشخیص دهد؛ چنان که امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

زمانی که مردم غلو در باره ما را بشنوند شیعیان ما را تکفیر می‌کنند و قول ربوبیت ما را به آن‌ها نسبت می‌دهند.^{۲۸}

ثالثاً. مواردی که آقای معروف حسنی از آن‌ها با عنوان غلویاد کرده است در اکثر موارد غلو به معنای عام آن است که مبنایی برای رد حدیث نیستند اما حدیث را در معرض تردید قرار می‌دهند و برای این گونه احادیث بررسی و واریسی واقع بینانه لازم است مانند احادیث قداست صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. در مقابل غلو به معنای عام آن، غلو به معنای اصطلاحی آن (نسبت دادن الوهیت و لوازم آن به معصومان علیهم السلام) وجود دارد که مبنایی برای رد حدیث است و آقای معروف حسنی بین این دو مقوله تفاوتی قایل نشده است.

ارتباط بین اتهام به غلو و جعل از نظر آقای معروف حسنی

از نظر عقلی اتهام را نمی‌توان برابر با حقیقت دانست آقای معروف حسنی نیز در روش خود اتهام به غلو را برابر با جعل ندانسته است بلکه در مواردی که حدیث یا راوی متهم به غلو هستند به دنبال قرائنی می‌گردد تا جعل را اثبات کند ایشان در این زمینه می‌فرماید:

ممکن است انسان دروغ‌گو نیز در پاره‌ای موارد راست بگوید با چنین وضعیتی حق

۲۸. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۴.

نخواهد بود که اگر گاهی اوقات راوی دروغ گفت یا مجهول الحال بود یا متصف به صفتی بود {مانند غلو} که موجب عدم اطمینان به روایتش می‌گردد روایات او هرچه باشد مردود شمرده شود بنا بر این در برخورد با چنین احادیثی بررسی و واریسی واقع بینانه لازم است^{۲۹} همچنین ایشان در باره متونی که غلوآمیز هستند می‌فرماید: لازم به یادآوری است که ما چنین کراماتی از ناحیه معصومان علیهم‌السلام را منکر نمی‌شویم چراکه این امکان وجود دارد که امام به قدرت خداوند معجزاتی بیش از این نیز بیافریند اما وجود متهمان در میان راویان روایتی آن را در معرض اتهام و تردید قرار می‌دهد {نه جعل}^{۳۰} و یا می‌فرماید چنین نیست که صرف وجود دروغ‌گو و یا منحرف در سلسله سند روایت، جعلی بودن آن را اثبات کند^{۳۱} بنا بر این ایشان اتهام به کذب یا غلو و یا هر صفتی را برابر با جعل نمی‌داند اما در برخی موارد ایشان برخلاف روش خود عمل کرده و اتهام به غلو را برابر با جعل دانسته است برای مثال به چند نمونه اشاره می‌شود.

ایشان برخی موارد راوی متهم را مبنای جعل قرار داده است به عنوان مثال در باره روایتی مبنی بر رجعت امام حسین علیه‌السلام علاوه بر اشکالی که در باره متن حدیث دارد می‌فرماید: در اشکال این روایت همین بس که راوی آن سهل بن زیاد است و او از معروفان به غلو است.^{۳۲} در برخی موارد نیز بودن در برخی کتاب‌ها را مبنای جعل قرار داده است برای مثال در روایتی مبنی بر ترس جن از امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: در عیب این روایت همین بس که از مرویات نزهه الابصار است.

البته باید توجه داشت که آقای معروف حسنی با معیارهای نقد حدیث در این روایات مناقشه کرده است و نه صرف بودن در این کتاب‌ها اما اشکال این جاست که بودن در این کتاب‌ها و بودن چنین راویانی در این روایات را مبنای رد حدیث قرار داده است که نتیجه آن برابری اتهام به غلو و جعل است.

روایاتی نیز وجود دارد که به نظر می‌رسد هاشم معروف حسنی صرف اتهام به غلو آن‌ها را رد کرده است از جمله روایاتی که مربوط به داستان ولادت معصومین علیهم‌السلام است برای مثال در شرح ولادت حضرت صدیقه طاهره علیها‌السلام روایتی به این شرح وجود دارد:

۲۹. الموضوعات فی الآثار والایخبار، ص ۷۹.

۳۰. همان، ص ۲۹۸.

۳۱. همان، ص ۳۰۴.

۳۲. همان، ص ۳۴۳.

در معانی الاخبار به نقل از سدیر صیرفی آمده است که امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرد که فرمود: خداوند قبل از آن که آسمان و زمین را بیافریند نور فاطمه علیها السلام را خلق کرد در این هنگام یکی از مردم پرسید ای رسول خدا آیا او انسان نیست فرمود فاطمه علیها السلام حوریه ای انسان گونه است که خداوند قبل از آن که آدم را بیافریند و در آن زمان که فقط ارواح وجود داشتند او را بیافرید و آن گاه که خداوند آدم علیه السلام را خلق کرد روح فاطمه علیها السلام را به امانت به وی داد سؤال شد که ای رسول خدا در آن زمان فاطمه علیها السلام در کجا بود فرمود او در عطر دانی در زیر ساق عرش قرار داشت دیگر بار گفته شد خوراک او چه بود فرمود تسبیح و تهلیل و تمجید خداوند، پس آن گاه که خداوند آدم علیه السلام را آفرید و مرا از صلب او بیرون آورد خداوند او را در سیبی در بهشت قرار داد و جبرئیل علیه السلام آن سیب را برای من آورد... {تا پیامبران سیب را تناول کرد و حضرت فاطمه علیها السلام به دنیا آمد} ^{۳۳}

هاشم معروف حسنی در باره این روایت می فرماید: احتمال قوی وجود دارد که این روایت ساخته غالیان باشد که آن را به دروغ و تهمت به سدیر صیرفی نسبت داده اند- زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام به هیچ وجه حاضر نشده اند با مردم از آنچه عقل ایشان در نمی یابد و در اوهاشان نمی گنجد صحبت کنند - سدیر صیرفی هم کسی است که صحیح و ضعیف را به هم در می آمیخت. ^{۳۴}

آقای معروف حسنی در مرحله اول احتمال می دهد که غالیان آن را به سدیر نسبت داده اند که این فرضیه قابل اثبات نیست از طرف دیگر می فرماید سدیر مورد اعتماد نیست در حالی که ابن شهر آشوب او را از خواص اصحاب امام صادق علیه السلام بر شمرده و امام صادق علیه السلام در حق وی دعا کرده است. ^{۳۵} اشکال دیگر ایشان این است که معصومان حاضر نشده اند با مردم در باره آنچه عقل ایشان به آن نمی رسد صحبت کنند اولاً چنین عادتی از سوی معصومان از کجا آمده است ثانیاً بسیاری از آیات و روایات که در باره آخرت هستند در اوهام مردم نمی گنجد و نقل این گونه مطالب هر چند که در اوهام نگنجد اما باعث ترغیب و ارادت مردم به ساحت معصومان علیهم السلام می شود ثالثاً چه اشکال دارد که امام علیه السلام سدیر را که از خواص اصحابش است از چنین کراماتی مطلع کند.

در ثانی روایتی که بیان گراین است که سدیر ضعیف و صحیح را به هم مخلوط می کند

۳۳. معانی الاخبار، ص ۳۹۶.

۳۴. الموضوعات فی الآثار و الاخبار، ص ۲۷۴.

۳۵. معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۳۴.

ضعیف است در این روایت آمده است نزد امام صادق علیه السلام از سدیر زیاد شد ایشان فرمودند: سدیر عصیده بکل لون - یعنی آدمی است که به هرزنگی در می آید - در ضمن این که این روایت ضعیف است می توان از لحاظ دلالت نیز آن را این طور معنا کرد که سدیر در هرزنگی حقیقت خود را حفظ می کند.^{۳۶} بنا بر این باید گفت آقای معروف حسنی رحمته الله در این روایت اتهام به غلورا برابر با جعل دانسته است.

و یا در روایتی در کتاب *مختصر بصائر الدرجات* به نقل از امام باقر علیه السلام که قسمت هایی از آن به این شرح در کتاب *الموضوعات فی الآثار والاحبار* به نقل از امام علی علیه السلام آمده است: من مرد یورش ها و حملات، مرد سطوت و انتقام گیری، مرد اقتدار و دولتی شگفت هستم من شاخی از آهنم من اسمای حسنای الهی امثال اولیای او و صاحب بهشت و دوزخم و بازگشت مردم به سوی من است من آشکار کننده خورشید و جانوران زمینی هستم من آنم که از مرگ و گرفتاریها و مسائل حق و باطل و انساب آگاهی دارم من صاحب عصا و گرز من آنم که ابرها، رعد و برق، ظلمت و نور، کوه ها و دریاها و ستارگان و ماه خورشید در تسخیر من است من آنم که عاد و ثمود و اصحاب رس و اقوام بسیاری را در این بین به هلاکت رساندم من صاحب مدین و هلاک کننده فرعون و نجات دهنده موسی علیه السلام هستم.^{۳۷}

آقای معروف حسنی در شرح این روایت می نویسد: هر چند تاویل برخی از جملات این روایت ممکن است اما برخی دیگر هیچ گونه تاویل را نمی پذیرد مانند این جمله که من آشکار کننده خورشید و جانوران زمینی هستم من آنم که فرعون را هلاک ساخته ... بازگشت همه مردم به سوی من است شگفت آور آن که تمامی راویان این روایت به استثنای احمد بن محمد بن خالد برقی از رجال ثقه و ممدوح هستند بنا بر این این امکان وجود دارد که جاعلان این روایت را در میان کتب اصحاب امان صادق علیه السلام قرار داده باشند.^{۳۸}

اتهام به غلو در این روایت قابل اثبات نیست زیرا اولاً از نظر سند روایت صحیح السند است و احمد برقی نیز که آقای معروف حسنی ایشان را استثنا کرده اند مشککش این است که از ضعف نقل حدیث کرده است در حالی که ثقه و مورد اعتماد است.^{۳۹} ثانیاً از لحاظ دلالت همان طور که خود نویسنده کتاب به آن اشاره کرده برخی از جمله های روایت قابل

۳۶. همان.

۳۷. *بصائر الدرجات*، ص ۱۳۲.

۳۸. *الموضوعات فی الآثار والاحبار*، ص ۳۴۱.

۳۹. *رجال النجاشی؛ فهرست الطوسی*، ذیل احمد بن محمد بن خالد برقی.

تاویل است مثلاً جمله «بازگشت مردم به سوی علی علیه السلام است» می تواند تاویل این حدیث نبوی باشد:

یا علی انت قسیم الجنة والنار؛

ای علی علیه السلام تو تقسیم کننده بهشت و جهنم هستی.^{۴۰}

به عبارت دیگر، در بازگشت مردم به سوی خداوند این حب امام علی علیه السلام است که مشخص می کند چه کسی وارد بهشت شود و چه کسی وارد جهنم شود. ثانیاً در برخی موارد که ما علم به تاویل آن نداریم حداکثر کاری که می توانیم انجام دهیم این است که علم این گونه روایات را به خود معصومان علیهم السلام واگذار کنیم نه این که آن ها را جعلی بدانیم زیرا اتهام سبب رد حدیث نمی شود. و یکی از مشکلات بزرگ نقد الحدیثی آقای معروف حسنی این است که به سنت رد العلم اهمیت نداده است در حالی که در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است:

إِذَا سَمِعْتُمْ مِنْ حَدِيثِنَا مَا لَا تَعْرِفُونَهُ فَرُدُّوهُ إِلَيْنَا وَقِفُوا عِنْدَهُ وَسَلِّمُوا إِذَا تَبَيَّنَ لَكُمْ الْحَقُّ وَلَا تَكُونُوا مَدَائِعَ عَجَلٍ فَإِلَيْنَا يَرْجِعُ الْعَالِي وَبِنَا يَلْحَقُ الْمُقْصِرُ^{۴۱}

چون حدیثی از احادیث ما را شنیدید که بدان پی نبردید و برایتان نا آشنا بود آن را به ما بازگردانید و توقف کنید و چون حقیقت برایتان روشن شد بپذیرید و عجز و افشاگر نباشید که تندرو و جلورونده به ما باز میگردد و کند رو و عقب افتاده به ما می رسد.

در برخی موارد نیز ایشان روایت راویان متهم به غلورا بدون تحقیق کامل رد کرده است که در ادامه در بحث تفسیر باطنی به آن اشاره خواهیم شد هر چند راویان زیادی در کتاب الموضوعات فی الآثار و الاخبار وجود دارند که اتهام به غلورانها پذیرفته نیست و ایشان در احوال این راویان خطا کرده است از جمله سدیر صیرفی که پیش تر بحث شد و نیز دیگر راویان متهم به غلو.^{۴۲}

نقد و بررسی روش های نقد احادیث غلوآمیز در کتاب الموضوعات فی الاخبار و الآثار

ارتباط این بخش با موضوع بحث از این حیث است که آقای معروف حسنی با استفاده از

۴۰. الامالی (صدوق)، ص ۱۷۶.

۴۱. تحف العقول، ص ۱۱۶.

۴۲. رک: پایان نامه «نقد روش های نقد حدیث هاشم معروف حسنی در کتاب الموضوعات».

این روش‌ها بین غلو و جعل ارتباط برقرار کرده است به عبارت دیگر برای بررسی روایات غلوآمیز، سلیقه شخصی و عقل‌گرایی امری خطرناک است زیرا عقل در این گونه روایات نمی‌تواند بسیاری از حقایق را درک کند در نتیجه حکم به جعلی بودن روایت می‌کند هاشم معروف حسنی نیز برای این که فقط سلیقه و رای خود را اعمال نکند برای رد روایات غلوآمیز از روش‌های نقد الحدیثی استفاده کرده است که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۱. راویان غیر قابل اعتماد و اشکالات سند

در مباحث پیشین عنوان شد که آقای معروف حسنی روایات را براساس راوی متهم به غلو رد نکرده بلکه هر جا راوی متهم به غلوی مشاهده کرده احتمال کذب داده و در پی شاهد برای رد روایت بوده است یکی از مهم‌ترین دستاویزهای آقای معروف حسنی برای رد روایات غلوآمیز راویان غیر قابل اعتماد و اشکالات سندی است. ایشان در ذیل روایتی که در کتاب مدینه معجزه به این صورت آمده است: داوود الرقی گفت: به مدینه رفتم و به حضور امام صادق علیه السلام رسیدم چون در مجلس او برجای نشستم گریستم امام صادق علیه السلام فرمود: چه چیز تورا به گریه انداخته است گفتم ای پسر رسول خدا مردمانی می‌گویند خداوند به شما اهل بیت هرویزگی که عطا کرده آن را به دیگران نیز داده است امام فرمود دروغ گفته‌اند آنگاه امام پای خود را به زمین کوبید و فرمود به قدرت خداوند باش ناگاه کشتی قرمزی پدیدار گشت که میان آن مروارید درشت سفید رنگی قرار داشت و...^{۴۳} - می‌فرماید: در این روایت داوود الرقی از متهمان به غلو است و نیز محمد بن هارون نیز متهم به جعل حدیث است. و در مثال دیگر در روایتی در کتاب مدینه المعجز آمده است:

یکی از بزرگان بلخ پیوسته به زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌رفت و با خود هدایای با ارزشی برای امام زین العابدین علیه السلام می‌برد تا این که همسرش به این کار اعتراض کرد. روزی امام از او خواست که بردستش آب بریزد و تشتی که زیر دست امام بود، پراز جواهرات شد و ایشان آن‌ها را برای همسرش برد و...

آقای معروف حسنی در باره این روایت اضافه بر این نکته که تصریح می‌کند این روایت از ساخته‌های غالیان بوده می‌نویسد:

راوی افسانه فوق صدها سال با امام فاصله دارد و با این حال روایت را به طور مرسل نقل کرده است. بنا بر این، روایت فوق از ضعیف‌ترین مراسیل است که

۴۳. الموضوعات فی الآثار والایخبار، ص ۳۲۳.

هیچ شاهی در کتاب و سنت ندارد.^{۴۴}

نقد و بررسی

آنچه آقای معروف حسنی در این دو مورد به ان اشاره کرده است از جمله ضعف‌های مربوط به راوی یا اتصال و انقطاع سند، برای موضوع خواندن یک روایت علم آور نیست. ضعف‌هایی مانند ارسال، انقطاع، نبود ضبط و عدالت در راوی تنها اطمینان ما را از حدیث سلب می‌کنند نه آن که اطمینان به موضوع بودن آن را پیشکش آورند و ضعف حدیث حتی در حالت‌های شدید آن مستلزم موضوع بودن روایت نیست^{۴۵} حتی در روایت منکر که راوی آن ضعیف و روایت نیز مخالف مشهور است واضح است چنین روایتی را نمی‌توان به حکم قطعی موضوع دانست و بنای اصلی حکم به جعل همانند حکم به صحت، اطمینان عقلایی است.^{۴۶}

به نظر می‌رسد آقای معروف حسنی بین عدم حجیت روایت و جعلی بودن آن خلط کرده است و شیوه ایشان در نقد حدیث به حدیث پژوهان اهل سنت شبیه است؛ چنان که بسیاری از بزرگان اهل سنت، از جمله ابن جوزی - که کتاب الموضوعات نوشته‌اند - احادیث ضعیف را معادل موضوع قرار داده‌اند.^{۴۷}

۲. استدلال‌های عقلی

ایشان در باب معجزات و کرامات معصومان علیهم‌السلام زیاد از این روش استفاده کرده است؛ برای مثال، ایشان در باب معجزات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در خردسالی در هنگام سفر با حضرت ابوطالب علیه‌السلام به شام می‌فرماید:

پیامبر هشت ساله چه احتیاجی به معجزه دارد؛ معجزاتی که در حساس‌ترین مراحل دعوت به اسلام برای پیامبر ظاهر نشد؟^{۴۸}

و یا دلیل عقلی دیگر در باب معجزات، این است که چطور ممکن است برخی حوادث به این عظمت را تنها عده‌ای معدود و گاهی اوقات یک نفر نقل کند؟ برای مثال، در روایت قبل

۴۴. همان، ص ۳۲۹.

۴۵. وضع و نقد حدیث، ص ۱۰، ۱۱.

۴۶. همان، ص ۹.

۴۷. همان، ص ۱۷.

۴۸. کمال الدین، ص ۱۹۰؛ الموضوعات فی الآثار و الاخبار، ص ۲۵۹.

کاروان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ متشکل از ۱۷۰ نفر بوده است، اما چنین معجزاتی را تنها چند نفر نقل کرده‌اند. به نظر می‌رسد که این جعلیات با چنین هدفی صورت گرفته تا تبلیغ شود پیامبر تحت تأثیر دیگر ادیان بوده است.^{۴۹} و یا این که در باب برخی حوادث خارق العاده می‌گوید: عجیب است که چرا مورخان چنین وقایعی را ثبت نکرده‌اند؟^{۵۰}

نقد و بررسی

چنین استدلال‌هایی هر چند احتمال جعلی بودن روایت را تقویت می‌کنند، اما نمی‌توانند دلیل قطعی بر جعل باشند؛ زیرا آنچه به طور قطع جعلی بودن را اثبات می‌کند، مطالب خلاف عقل هستند، نه استدلال‌های عقلی. به عبارت دیگر، اگر روایتی خلاف یک دلیل عقلی بود که نتیجه آن دلیل عقلی یک واقعیت خارجی بیش نیست، آن حدیث جعل است؛ اما این چنین استدلال‌ها کاشف از یک واقعیت خارجی نیستند؛ به عنوان مثال، حقیقت خارجی ثبت نشدن یک واقعه توسط مورخان عدم وقوع آن حادثه نیست و می‌تواند حقایق دیگری نیز داشته باشد.

۳. مخالفت با تاریخ

در روایتی که پیش‌تر در باره سفر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به شام با حضرت ابوطالب عَلَيْهِ السَّلَام ذکر شد، می‌گوید:

سفر به شام و عهده‌داری کاروان حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام پس از بیست سالگی پیامبر بوده است، نه در سن هشت سالگی.^{۵۱}

نقد و بررسی

زمانی معیار تاریخ در روش‌های نقد حدیث، حکم به جعلی بودن روایت می‌کند که تاریخ معتبر باشد و تاریخی که بر پایه ظن و گمان است، علم‌آور نیست و نمی‌تواند باعث رد حدیث شود.

تاریخ مسافرت‌های پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به شام مورد اختلاف مورخان شیعه و اهل سنت است و بنا بر قول مشهور، مسافرت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به شام و دیدار با بحیرا در سن

۴۹. همان، ص ۲۵۷ و ۲۵۸.

۵۰. همان، ص ۲۸۴.

۵۱. همان، ص ۲۶۰.

نه یا دوازده سالگی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است.^{۵۲} بنا براین، آقای معروف حسنی روایت سفرهای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به شام با تاریخ معتبر نقد نکرده و قول مشهور را نادیده گرفته و معتقد است که این سفرها در بیست سالگی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اتفاق افتاده است.

۴. وجود روایت در کتب مخالفان مذهب یا در فرهنگ دیگر ملل

در روایتی آمده است که خورشید به سلام امام علی عَلَيْهِ السَّلَام جواب داد.^{۵۳} آقای معروف حسنی در شرح این روایت می گوید:

حدیث بازگشت خورشید و سخن گفتن آن با یک انسان از مشخصات شیعه نیست، بلکه احادیثی با همین مضمون در میان روایات اهل سنت در باره گروهی از خلفا و علما و اولیا به شکل گسترده تری وجود دارد.^{۵۴}

نقد و بررسی

این معیار به تنهایی جعل را اثبات نمی کند، اما از قراینی است که احتمال جعل را تقویت می کند؛ هر چند در این گونه موارد باید دید کدام گروه متاثر از گروه دیگر بوده و روایت طرف مقابل را به سود خود جعل کرده است و گسترده تر بودن این حدیث در بین اهل سنت در باره خلفا نمی تواند دلیل آن باشد که شیعه این احادیث را از اهل سنت الهام گرفته باشد و به سود خود جعل کند.

۵. مخالفت روایت با قرآن و سنت

در باره روایتی مبنی بر نسوختن شیعه علی عَلَيْهِ السَّلَام در آتش که مرتکب گناه کبیره شده، می گوید:

بهشت برای فرمان بران و دوزخ برای کسانی که نافرمانی می کنند، خلق شده؛ چنان که قرآن و سنت نیز به این مطلب اشاره دارند. در روایات آمده است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام می فرماید: ای فاطمه، عمل صالح به جای آر که من در مقابل خداوند هیچ برای تو پاسخ گونخواهم بود.^{۵۵}

۵۲. تاریخ تحلیلی اسلام، ج ۱، ص ۲۵۷.

۵۳. الموضوعات فی الآثار والایخبار، ص ۳۱۹؛ مدینة المعاجز، ج ۱، ص ۲۱۸.

۵۴. الموضوعات فی الآثار والایخبار، ص ۳۱۹.

۵۵. همان، ص ۲۷۹.

نقد و بررسی

مخالفت با قرآن و سنت، طبق احادیث عرضه، مهم‌ترین معیارهای نقد حدیث هستند؛ اما نقد به وسیله قرآن و سنت شرایطی دارد؛ از جمله: مخالفت با قرآن و حدیث نباید به صورت تعارض ابتدایی، ظاهری و غیرمستقر باشد؛ مانند عام و خاص یا مطلق و مقید و ...^{۵۶} در روایتی که ذکر شده، هر چند در پی صحت و سقم آن نیستیم، اما آقای معروف حسنی در شواهد معیار خود اشکالاتی دارد: اولاً، روایتی که نقد کرده از باب ثواب است و روایات ثواب و عقاب برای تحقق دارای شروط زیادی هستند که مجالی برای ذکر آن‌ها در این تحقیق نیست؛ ثانیاً، در باب شاهد آوردن برای معیار خود نیز تتبع ناقص داشته است؛ زیرا صرف گناه کبیره را مستحق جهنم دانسته؛ در حالی که در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است:

و اما شفاعتی فهی لأصحاب الکبائر ما خلاهل الشرک و الظلم؛^{۵۷}
 شفاعت من به برای اصحاب گناهان کبیره است، به جز مشرکین و ظالمین.

۶. آشفتگی متن حدیث و دور بودن از شأن و منطق معصوم

در روایتی از عبدالله بن بکر ارجانی آمده است:

در راه مدینه تا مکه با امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام همراه بودم بعد از کنار کوه وحشتناکی عبور کردیم [امام توضیحاتی در باره این کوه بیان می‌کنند] تا این که مطلب به این جا می‌رسد که امام می‌فرماید: فرشتگان ما را از اوقات نماز آگاه می‌کنند و بیدارمان می‌کنند و هر شب اخبار همه سرزمین‌ها و جنیان و ملائک را برای ما می‌آورند ... اخبار تمام شش زمین دیگر و زمین هفتم برای ما آورده می‌شود. من [بکر] دیگر بار پرسیدم: فدایت شوم! این کوه تا کجا ادامه دارد؟ فرمود: ریشه این کوه تا زمین ششم می‌رسد و در آن جا دوزخی است. در یکی از دره‌های آن که نگهبانانی دارد، بیشتر از ستارگان آسمان.^{۵۸}

آقای معروف حسنی در شرح این روایت می‌گوید:

آشفتگی متن حدیث فوق و سبک و شیوه بسیار دور آن از منطق امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام

۵۶. وضع و نقد حدیث، ص ۲۴۲.

۵۷. الخصال، ص ۳۵.

۵۸. کامل الزیارات، ص ۵۴۰؛ الموضوعات فی الآثار و الاخبار، ص ۳۱۶.

برای گواهی دادن به جعلی بودن این روایت کفایت می‌کند.^{۵۹}

همچنین ایشان حدیثی از امام رضا علیه السلام نقل کرده‌اند که هر یک از گفته‌های ما را حقیقتی است و نورانیتی. پس آنچه نه حقیقتی دارد و نه نورانیتی گفته شیطان است.^{۶۰}

نقد و بررسی

اکثر معیارهای نقد درونی حدیث تنها قرینه‌هایی بر جعل هستند و بدون همراهی قرینه‌های دیگر نمی‌توانند اطمینان و حکم به جعل را تمام و قطعی کنند. از این دسته می‌توان به فصیح و بلیغ بودن متن یا حتی رکاکت معنا، و تناسب نداشتن جزا با عمل اشاره کرد.^{۶۱} بنا براین، چنین اشکالی برای جعلی دانستن روایت کافی نیست.

۷. نسبت دادن اوصاف خداوند به امامان معصوم علیهم السلام

شیخ رجب برسی در خطبه‌ای طولانی از امیرالمؤمنین علیه السلام آورده است:

من هلاک کننده آن قوم [عاد و ثمود]، من مدبر آنانم، من میراننده و زنده کننده آنانم، من اول و آخرم و من ظاهر و باطنم ... من مدبر عالم نخستینم؛ آن‌جا که نه این آسمان شما بود و نه این زمینتان ...

در ادامه روایت صفاتی برای امام آمده است که به اعتقاد آقای معروف حسنی برای کسی جز خداوند علام الغیوب روا نیست.^{۶۲}

نقد و بررسی

همان‌طور که پیش‌تر ذکر کردیم، غلوه به معنای نسبت دادن الوهیت و صفات خداوند به معصومان علیهم السلام و برابر با جعل است؛ اما باید توجه داشت که بسیاری از مطالب غلوآمیز نتیجه برداشت اشتباه از معنای روایت و به عبارت دیگر، نقد فهم منتقد در مقابل نقد حدیث است؛ به عنوان مثال، در باره عبارتی که امام علی علیه السلام در روایت فوق فرموده که «من اول و آخرم و ظاهر و باطنم»، روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد که خطاب به شخصی که همین شبیه را داشته می‌فرماید:

امام علی علیه السلام اولین کسی است که به من ایمان آورد و آخرین کسی است که من

۵۹. همان.

۶۰. همان، ص ۳۳۷.

۶۱. وضع و نقد حدیث، ص ۲۳۲.

۶۲. مشارق انوار الیقین، ص ۲۶۳: الموضوعات فی الآثار و الاخبار، ص ۳۵۹.

را کفن می کند و در قبر می گذارد. همه علم من برای علی علیه السلام ظاهر و همه اسرار من در سینه او وجود دارد.^{۶۳}

۸. تفاسیر روایی (باطنی) ضعیف

آقای معروف حسنی در باره تفسیر باطنی - که از ویژگی های غلات است - در شرح روایتی که می فرماید: «منظور از ﴿لم نک من المصلین﴾»^{۶۴} از نمازگزاران نبودیم، آن است که «از پیروان ولایت علی علیه السلام نبودیم»، فرموده است:

اگر راویان این روایات از افراد ثقه بودند، چاره ای جز پذیرش و قبول آن ها نداشتیم؛ زیرا ائمه از همه مردم به ظاهر و باطن قرآن و ... داناتر هستند.^{۶۵}

نقد و بررسی

از کلام آقای معروف حسنی برمی آید که ایشان روایات تفسیری ای را که در آن ها ملازمه ای بین تفسیر و آیه از نظر معنا وجود ندارد، در صورت سند صحیح می پذیرد؛ اما در صورت وجود متهمان و جاعلان روایات تفسیری باطنی را رد کرده و می گوید: غلات و دشمنان کینه توز امامان هدایت گر هیچ راهی را ناپیموده نگذاشتند تا از آن برای تباه کردن احادیث ائمه علیهم السلام و خراب کردن چهره و آوازه آنان وارد شدند. آنان در مسیر این تلاش خود، به قرآن، یعنی تنها کلامی که تفاسیر و توجیهاتی را می پذیرد که هیچ کلام دیگری پذیرای آن نمی شود، دست یازیدند تا از طریق آن دسیسه ها و افکار مسموم خود را پراکنند.^{۶۶}

لازم به ذکر است که حجیت این گونه روایات مبنایی است و برخی طبق مبانی خود این گونه روایات را حجت نمی دانند؛ اما حداقل مبنا در این زمینه آن است که از ذکر معنایی برای آیات - که در چهارچوب قواعد ادبی و اصول عقلایی محاوره قابل فهم و تبیین نیست - بدون استناد به روایت معتبر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام پرهیز می شود.^{۶۷} و آقای معروف حسنی نیز این مبنای مشهور را رعایت کرده است.

اما نقدی که بر روش ایشان وجود دارد، آن است که در احوال راویان این گونه روایات - که متهم به غلو هستند - در برخی موارد اشتباه کرده و به صرف اتهام، این گونه روایات را رد

۶۳. کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۹۳۴؛ بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۸۰.

۶۴. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۶-۴۳۲.

۶۵. الموضوعات فی الآثار و الاخبار، ص ۲۸۸.

۶۶. همان، ص ۳۱۰.

۶۷. مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۳۵.

کرده است؛ برای مثال در شرح روایت امام کاظم علیه السلام که می فرماید: «مساجد در آیه ﴿ان المساجد لله﴾ همان اوصیا و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند»، می گوید:

بی تردید، این روایت از ساخته های غالیان است و آنچه مؤید این مدعاست، آن است که صاحب نظران علم رجال محمد بن فضیل را متهم به غلو دانسته اند.^{۶۸}

در حالی است که اتهام به غلو محمد بن فضیل با بیان شیخ مفید که می فرماید: «محمد بن فضیل از فقها و رؤسا و اعلام است؛ کسانی که حلال و حرام و فتوا و احکام از آن ها گرفته می شود و به آن ها طعنی زده نمی شود»،^{۶۹} زیر سؤال می رود.

۹. مخالفت با اجماع شیعه

در بین روایات غلوآمیز روایاتی وجود دارند که برخلاف اجماع شیعیان هستند؛ از جمله افسانه دوازده مهدی و یا سیزده نفر بودن تعداد امامان معصوم علیهم السلام؛ اما روایت غلوآمیزی که آقای معروف حسنی به این دلیل رد کرده، روایت علی بن مهزیار اهوازی مبنی بر روایت امام زمان علیه السلام است؛ روایتی که در زمانه ما مشهور شده و در محافل زیادی از آن یاد می شود. روایت به این شرح است که پسر مهزیار در خواب دید که اگر امسال حج به جای آورد، امام زمان را خواهد دید. از این رو عازم حج می شود و در حج به زیارت امام زمان علیه السلام مشرف می شود؛ اما در ضمن روایت، نکته عجیبی به این ترتیب وجود دارد که نماینده امام از پسر مهزیار سؤال می کند:

اتعرف الصریحین [الضریحین]؟ قلت: نعم. قال: من هما؟ قلت: محمد و موسی؛^{۷۰}
آیا دو غایب را می شناسی؟ گفتم: بله، محمد و موسی.

آقای معروف حسنی در باره این روایت می فرماید:

شگفت آورترین نکته در باره این روایت، آن است که بر این تصریح دارد که امام حجه بن الحسن علیه السلام برادری به نام موسی دارد که هر دو با هم از دید مردم غایبند و این امر با اجماع شیعه و نیز با اجماع مورخان مخالف است؛ چرا که مورخان بر این نکته تأکید دارند که جعفر فرزند امام هادی علیه السلام با طرح این بهانه که برادرش

۶۸. الموضوعات فی الآثار و الاخبار، ص ۳۰۷.

۶۹. معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۱۴۷.

۷۰. الموضوعات فی الآثار و الاخبار، ص ۳۴۸؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۶۵.

امام عسکری علیه السلام از خود فرزندی به جای نگذاشت، ادعای امامت کرد.^{۷۱}

نقد و بررسی

مخالفت با اجماع و مواردی که به تواتر برای ما حاصل شده، از معیارهای جعل است؛ اما نکاتی را باید در این گونه روایات در نظر گرفت؛ از جمله این که ممکن است راوی حدیث در روایت کردن دچار اشتباهاتی شده باشد و حتی ممکن است در این گونه روایات وضع جزئی صورت گرفته باشد؛ به طوری که تنها موضع مورد مناقشه در روایت جعل شده باشد و بقیه روایت مشکلی نداشته باشد و یا اشکالات مربوط به امر نسخه برداری باشد، از جمله تصحیف. همچنین از آن جا که در طریق این روایت وجاده وجود دارد، یعنی راوی مستقیماً روایت را نشنیده، بلکه در کتاب پدر خود یافته، احتمال تصحیف، تحریف و وضع جزئی در کتاب وجود دارد؛ هر چند اشکال آقای معروف حسنی به این روایت مورد توجه علامه مجلسی نیز بوده است.^{۷۲} نکته دیگر در باره این روایت، آن است که روایت تصریح ندارد که موسی برادر امام علیه السلام باشد.

البته آقای معروف حسنی برای رد روایات غلوآمیز از روش های دیگری همچون مخالفت با حس و تجربه و... نیز بهره برده است و در بسیاری از موارد قراین و شواهدی که برای رد روایت ذکر کرده علم آور هستند و خللی در آن ها وجود ندارد و صرف نظر از مطالبی که بیان شد، ایشان در روش خود موفق بوده است.

نتیجه

۱. غلونزد آقای معروف حسنی مفهوم گسترده ای دارد و شامل هر گونه افراط ساختگی است و با توجه به چنین معیاری از غلو، دایره جعل نیز در این گونه روایات از سوی ایشان وسیع تر می شود؛ در حالی که طبق آیات و روایات و نظرات محدثان و حدیث پژوهان مصادیق غلو مشخص شده و ما نمی توانیم آن را بر هر گونه افراط و خوارق عادات نامعتبر اطلاق کنیم و نیز ایشان معیاری برای تمییز بین معجزه و کرامت و غلو ارائه نکرده است و تفاوتی بین غلو اصطلاحی و غلو به معنای عام آن قایل نشده است.
۲. در روش نقد حدیث آقای معروف حسنی اتهام به غلو برابر با جعل نیست، اما ایشان در برخی موارد بر خلاف روش خود عمل کرده و اتهام به غلو را برابر با جعل قرار داده است.

۷۱. الموضوعات فی الآثار و الاخبار، ص ۳۴۸.

۷۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴۷.

۳. آقای معروف حسنی برای اثبات غلو در احادیث مورد اتهام از روش‌های نقد حدیث استفاده کرده است و با استفاده از این روش‌ها حکم به موضوع بودن این گونه روایات کرده است. مهم‌ترین اشکال ایشان در این زمینه آن است که در بسیاری از موارد از قراین و شواهد ایشان برای موضوع خواندن روایت متهم به غلو علم حاصل نمی‌شود. به عبارت دیگر، ایشان بین عدم حجیت این گونه اخبار با جعل خلط کرده است و روش ایشان الهام گرفته از روش نقد حدیث بزرگان اهل سنت، از جمله ابن جوزی و سیوطی است که حدیث ضعیف را برابر با موضوع دانسته‌اند.

همچنین ایشان در معیارهای نقد حدیث خود نیز اشکالاتی دارد؛ از جمله تتبع ناقص در احوال راویان متهم به غلو، استفاده نکردن از سنت رد علم، استفاده نکردن از تاریخ نامعتبر در رد حدیث، عدم احتمال تصحیف، تحریف و وضع جزئی به جای وضع کامل و رد روایات تفسیری باطنی متهم به غلو.

کتابنامه

- الامالی، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
- بحوث فی الملل والنحل، جعفر سبحانی، قم: مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۱۳ ق.
- بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
- تاریخ تحلیلی اسلام، هاشم رسولی محلاتی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۸۵ ش.
- تحف العقول، حسن بن علی بن شعبه حرانی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- تصحیح اعتقادات امامیه، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
- تلخیص مقباس الهدایه، علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۶۹ ش.
- الخصال، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.
- رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال مع تعلیقات میرداماد الأسترآبادی)، محمد بن عمر کشی، قم: مؤسسه آل‌البتیة، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.
- روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محمد تقی مجلسی، تهران: کوشانپور، چاپ

- دوم، ۱۴۰۶ق.
- عیون اخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تهران: نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
- کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، نجف: دار المرتضویه، چاپ اول، ۱۳۵۶ق.
- الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود زمخشری، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
- کمال الدین و تمام النعمه، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تهران: الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، محقق: محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
- مدینه معجزات الائمة الاثنی عشر، سید هاشم بحرانی، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- مشارق انوار الیقین فی فضایل امیر المؤمنین علیه السلام، رجب بن محمد برسی، بیروت: اعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- معانی الاخبار، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- معجم رجال الحدیث، ابولقاسم خویی، قم: دفتر آیه الله خویی، ۱۹۹۲م.
- معجم مقاییس اللغه، احمد بن فارس، قم: مکتبه الاعلام، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- مفردات الفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، بیروت: دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- الموضوعات فی الآثار و الاخبار، معروف هاشم حسنی، تحقیق: اسامه الساعدی، قم: بی نا، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
- وضع و نقد حدیث، عبدالهادی مسعودی، قم: دار الحدیث و انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۴ش.
- «نقد روش های نقد حدیث هاشم معروف الحسنی در کتاب الموضوعات»، محمد حسین امامی جو، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد تهران مرکزی، ۱۳۸۳ش.

دراسة «محورية النص» في أفكار العلامة محمد باقر المجلسي

الدكتور السيد علي دليري

من المسائل الهامة في تاريخ الفكر الاسلامي وفيما يتعلق بمعرفة الدين هي أنه كيف يتم التعرف على صحة و سقم الروايات الدينية؟ وقد اجاب علماء المسلمين عن ذلك بأجوبة عديدة يمكن أن تنطوي تحت العنوانين التاليين: «محورية العقل»، و «محورية النص»، و تندرج تحت كل منهما العديد من وجهات النظر. وإحدى الوجهات المطروحة ضمن «محورية النص» هي «محورية النص على ضوء العقل الفطري»، و على ضوءها فإن العقل الفطري يتمتع بالاعتبار التام في مجال التعرف على المعارف الدينية. و في المقابل فإن محورية العقل الفلسفي في النطاق المذكور لا تتمتع بأي قيمة. و من القائلين بهذه النظرية هو العلامة المجلسي، حيث ذكر لها العديد من الأدلة. المقال الحاضر و بأسلوب و صفي - تحليلي يبين رأي العلامة المجلسي، ثم يقيم أدلته و مبانيه في ذلك، و ينتهي الى أن بعض أدلته غير مقبولة و لا يمكن الذب عنها.

الألفاظ المحورية: أساليب الكشف عن التعاليم الدينية، محورية العقل، محورية النص، العلامة المجلسي.

عدم انسجام العدد و المعدود في الروايات

بالتركيز على رواية مكارم أخلاق الأنبياء

ادريس عظيما

احمد غلام علي

إن صحة نص الحديث رهينة لانسجام متنه مضافاً للأساليب المعروفة في التقييم السندي. وإحدى الأمور الملحوظة في الروايات هي عدم تطابق العدد الوارد فيها مع

المعدود؛ نظير الأحاديث التي عدّ فيها أهل البيت خصائص بعض الأمور حيث لا تتطابق أحياناً مع العدد المذكور أولاً. البحث الحاضر يشير إلى بعض النماذج في هذا المجال و يتناول علاجها في رواية خصائص الأنبياء، وبالعثور على النص الأصلي للرواية ودراسة معاني مفرداتها و تكوين الأسرة الحديثية انتهينا إلى سقوط إحدى فقرات الرواية، حيث تدل عليها الصفتان «الصدق و الأمانة» اللتان عدّتا من المعايير ولم تعدان من مكارم الأخلاق، مع أن الترغيب اليهما من شأنه أن يجعلهما من مكارم الأخلاق.

الألفاظ المحورية: مكارم الأخلاق، خصائص الأنبياء، آفات الحديث، الأحاديث العددية.

تحليل تأثير العقائد على فهم الحديث و آفات ذلك

علي حسن بيكي

يحظى علم «فقه الحديث» بأهمية بالغة بين علوم الحديث، ويرى العلماء و الباحثون في ميداني فقه الحديث و أصول الفقه أن فهم الحديث يكون ضمن مرحلتين هما: فهم المراد الظاهري (المراد الاستعمالي) للنص، و فهم المراد الحقيقي للمتكلم (المراد الجدي). و يمكن طي المرحلة الأولى بأساليبها و متطلباتها الخاصة، و أما فهم المراد الجدي فهو متوقف على لحاظ القرائن خاصة. و يبدو في النظر أن العقائد إحدى القرائن التي يمكن من خلالها فهم مقصود المتكلم. البحث الحاضر يصدد بيان كيفية الإفادة من العقائد في فهم الحديث، كما يحاول التعرف على آفات الاعتماد على هذه القرينة. و اتضح من خلال البحث أنه بالإمكان الاعتماد على هذه القرينة - باعتبارها قرينة متصلة لبية لفهم الحديث - في حال توفر خمس شروط. كما تعرفنا على ست آفات للاعتماد على هذه القرينة.

الألفاظ المحورية: فهم الحديث، القرائن، العقائد، الآفات.

تحليل نقدي لمدخلية البدعة في جرح و تعديل الرواة من منظار أهل السنة

الدكتور علي حاجي خاني، الدكتور كاووس روجي البرندق

الدكتور عباس مصلاي بور، نوروز اميني

إذا كان الرواة من أبناء المذاهب المخالفة فالاعتماد على رواياتهم يكون ضمن إطار معين و خاص في كلّ من المذاهب الإسلامية. و من قديم الأيام فإن علماء كل مذهب وضعوا قواعد للاعتماد على رواياتهم على ضوء أسس الجرح و التعديل، و مع لحاظ مقدار تأثير

مذهب الراوي في مضمون الروايات. وقد ذكر أهل السنة قاعدة عامة للنقل عن غير السني أسموها بقاعدة البدعة. لكن هل هذا المعيار يتمتع بالفعالية المطلوبة في تقييم الرواة؟ البحث الحاضر يدرس مقدار مدخلية البدعة في جرح وتعديل الرواة وأهم الإشكالات الواردة عليه، والتي منها: وجود الإبهامات الأساسية في تعريف البدعة، وتعيين مصاديقها، وعجز قاعدة البدعة عن إبداء ضوابط عملية للرواية عن أبناء المذاهب الأخرى. الألفاظ المحورية: رجال أهل السنة، البدعة، الجرح والتعديل، شروط الراوي، فساد المذهب.

تأمل في الروايات الدامة لعبد الله بن عباس في بعض المصادر القديمة الشيعية

السيد جعفر الصادقي
عبد الهادي فقهي زاده
علي رضا دل افكار

ابن عباس من مشاهير الصحابة في التفسير والرواية وقد ذكر بالقاب وعناوين بارزة. وعلى رغم نقل الكثير من الروايات عنه في المصادر الشيعية وموافقة بعضها لعقائد الشيعة، نجد بعض الروايات القادحة فيه في بعض المصادر القديمة الشيعية، نظير خيانتة للإمام علي عليه السلام ولعنه من قبله، وذمه من قبل بعض الأئمة. إلا أن تحليل هذه الروايات إلى جانب الروايات الأخرى الواردة في سيرته السياسية والاجتماعية وتبعيته لكل من الامام علي والإمام الحسن عليهما السلام، وموافقة مواقفه لمواقف أهل البيت عليهم السلام حتى آخر حياته يشير إلى احتمال وضع روايات القدح بابن عباس من قبل التيار الأموي أو الزبيري بهدف الإضرار بمنزلة العلويين، وتسرب بعضها إلى المصادر الشيعية. الألفاظ المحورية: الروايات، الذم، عبد الله بن عباس، المفسر، المصادر القديمة، الشيعة.

نقد ودراسة العلقه بين الغلو والوضع في كتاب «الموضوعات في الآثار والاختبار»

محمد رضا عزتي الفردوئي
صمد اسمى قيه باشي

الغلو - باعتباره تياراً دينياً منحرفاً - له آفات عديدة منها الفرار من الدين. وقد اتخذ السيد

معروف الحسنی موقفاً تجاه روايات الغلو وأخذ بالبحث فيها، وبما أنه يرى أن الكثير من هذه الروايات موضوع، فإن من الضروري دراسة العلة بين الغلو ووضع الحديث. وعند تعاطي السيد معروف الحسيني مع هذه الروايات نهجاً منهجياً مغايراً لمبانيه في وضع الحديث، وجعل تهمة الغلو مساوقة للوضع، وفي إطار هذا التقسيم للروايات وعدّها موضوعة توجد العديد من الإشكالات الأساسية؛ منها: الخلط بين الحجية والوضع، دراسة الحديث وفق التأريخ غير المعتمد، التتبع الناقص في دراسة أحوال الرواة المتهمين بالغلو، الحكم بوضع التفاسير الباطنية الصحيحة، عدم الاهتمام برد العلم ببعض الأمور إلى المعصوم عليه السلام، وعدم احتمال التصحيف والتحرّف والوضع الجزئي.

الألفاظ المحورية: الغلو، الوضع، نقد الحديث، هاشم معروف الحسنی.